

لزدواج نامناسب بستری زمینه ساز برای روسپیگری

شهین علیایی زند*

اگرچه ازدواج و بستن پیوند زناشویی را اولین و مهمترین گام در ساختن نهادی می‌دانند که "مقدس" اش می‌خوانند، اما به نظر می‌رسد که تقدس زندگی خانوادگی از پس هرم نفسهای متبرک و ذهنهای افسانه ساز حاصل نمی‌شود. این گزارش، به گونه‌ای فریاد تمامی دخترانی است که والدینشان طی قرون متمادی با پنهان شدن در پشت شعار «خانواده مقدس»، اولین هم آغوشی آنها را یا به گزاف‌ترین قیمت فروخته‌اند و یا طعم بدنهای بکرشان را خود چشیده‌اند. و بدینسان، دخترانی که «قیح شکنی» را با دردناکترین شیوه‌ها در خانواده خود تجربه کرده بودند، یا از خانه فرار کردند و یا با تن دادن به ازدواجی به غایت نامناسب، به گونه‌ای دیگر، فرار را برقرار ترجیح دادند. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که این تازه عروسان، در «خانه بخت» نیز، اغلب با مردانی مواجه بوده‌اند که همانند پدران معتادشان، یک موی «دود و دمشان» را با سراپای وجود آنان معاوضه نمی‌کردند. نتایج این تحقیق، سندی است انکارناپذیر بر کوتاهی حاکمانی که باسر دادن شعار «خانواده مقدس» و متبرک و غیر قابل نفوذ جلوه دادن حریم آن، مسئولیت‌ها و وظایف خود را به فراموشی سپرده‌اند.

مقدمه

سال‌ها قبل از میلاد مسیح، پدرها و مادرها، زیباترین دختران و گاه پسران خود را به معابد می‌فرستادند، تا کاهنان و روحانیان با لمس بدنهای بکرشان، بهشت برین را به آنها ارزانی

* دکترای روان‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

دارند. دخترکان، در معابد پای می‌کوبیدند، دست می‌افشانند، به کاهنان گرما می‌بخشیدند و به منظور رونق بخشیدن به معابد، هرم نفسهای خود را با نفسهای میهمانان آنها در می‌آمیختند. آیین روسپیگری روحانی، تا قرن‌ها در مشرق زمین ادامه یافت و طی آن، افراد با قربانی کردن دخترانشان، به خیال خود چه بهشت برینی را که برای خود نخریدند، (Gergersen, 1983, Beard and Henderson, 1997).

با اندکی تامل می‌توان دریافت که هنوز که هنوز است، پدران و مادران حتی در قلب مغرب زمین، گاه فرزندان خود را روی زمین به مسلخ می‌کشند، تا برای خود در «آسمان‌ها» جایگاهی دست و پا کنند که اگر جز این بود، کاتولیکهای متعصب، به بهانه ثواب اخروی، این همه پسرانشان را برای پیوستن به جرگه کشیشان، ترغیب نمی‌کردند؛ زیرا که در آن مذهب، وارد شدن به جرگه کشیشان همان است و دست شستن از حق ازدواج و درآمیختن با زن، همان. اما همین، سبب شده است که کلیسای کاتولیک، همانند بسیاری از محلهای «مقدس» دیگر، پیوسته با فجایع جنسی تکان دهنده‌ای دست به گریبان باشد، اما بی توجه به همه این رویدادها، هنوز و تا این لحظه از تاریخ، پدران و مادران در گوشه و کنار این پهنه گیتی، فرزندانشان را خودخواهانه برای ورود به این وادی متبرک، ترغیب می‌کنند، تا خود آسمانی شوند.

به طور کلی، تمامی صفحات تاریخ نوشتاری شهادت می‌دهند که در هر عهد و زمانه‌ای، گاه به صورت نهان و گاه با جلوه‌هایی به غایت عیان، بسیاری از پدران و مادران، فرزندان خود را به نابودی کشانده‌اند، تا نیازهای خود را پاسخ گویند. این رویداد به ویژه در مشرق زمین غوغا می‌کند؛ زیرا در آنجا، بسیاری از اوقات سردمداران و حاکمان، خود را در پشت شعار «خانواده مقدس»، پنهان می‌کنند تا با نفوذ ناپذیرتر کردن حریم آن، بار مسئولیت پرداختن به تنگناهای این نهاد را از دوش خود بردارند. بدین دلیل، در شرق پر رمز و راز، همیشه اولین یورش برای شکستن حریم‌های افسانه‌ای و شفاف سازی درون آن، دل می‌خواهد، جرأت و جسارت طلب می‌کند و از این رو، در این کرانه‌ها، بسیاری از پژوهش‌ها به سیاه مشق می‌مانند.

به همین دلیل، سال‌ها قبل، وقتی السعداوی (۱۳۵۹)، با زبانی ساده، اما با شیوایی بسیار

و جسارتی کم نظیر، چهره زن عرب را «عریان» کرد، احترام همگان را از آن خود نمود. او در کتاب با ارزش و به یادماندنی خود، از یک طرف از ختنه دختران عرب با هدف محدود نگاه داشتن تمنیات آنها سخن به میان آورد و از طرفی دیگر، نقاب از چهره پدران و پدر بزرگانی برداشت که علیرغم ظاهر متعصب و «غیرتمند» خود، در آن طرف باغها و در هر خلوتی که پیش می‌آید، بدنهای دختران و نوادگان خود را ظالمانه بیدار می‌کنند.

سالها بعد، علیایی زند (۱۳۷۷)، با ارائه پژوهشی، برای اولین بار و به طور رسمی از فاجعه سوء استفاده جنسی محارم از کودکان، در سرزمین هزار و یک شب، پرده برداشت و بدین طریق، راه گفت و گو از ناگفتنی‌ها را هموارتر ساخت. او در تحقیق خود نشان داد که بسیاری از مادران از حضور پدران و برادران در خلوت دخترانشان آگاهند، اما به دلایل مختلف، از جمله ترس از شکستن حریم خانواده و فروپاشی آن و یا پیامدهای خشونت بار، نه تنها لب به سخن باز نمی‌کنند، بلکه اغلب تمامی فریادهای دل سوخته خود را بر سر همین دختران قربانی فرو می‌ریزند. بیزاری و عصبانیت بسیاری از این دختران دردمند از مادران خود، یکی از تکان دهنده‌ترین و قابل تامل‌ترین یافته‌های این تحقیق به شمار می‌آید.

سوء استفاده جنسی محارم از کودکان، و به ویژه دختر بچگان، همواره جلوه‌های ویژه و رنگارنگی داشته است. اگر منصفانه قضاوت شود، ازدواج اجباری دختران کم سن و سال با مردان توانمندتر از پدرانشان، روسپیگری قانونمندی است که والدین بر آنها تحمیل می‌کنند. زیرا در آنجا نیز، بدن یک دختر نارس، با زور و قدرت زور، به فردی تفویض شده است که دستش به دهانش می‌رسد و می‌تواند ناکامیهای مالی خانواده او را جبران کند و شاید هم خرج اعتیاد کهنه آنها را فراهم آورد و مگر روسپیگری، جز فروش تن است در ازای دستاوردهای مالی؟ میکائیل (Mikhail, 2002) و کاپلان (Kaplan, 1984) نیز بر همین عقیده‌اند.

اما به نظر می‌رسد که به خرج دادن همت برای پهن نگاه داشتن بساط دود و دم، در «طالع» بسیاری از زنان روسپی است؛ زیرا آنها در «خانه بخت» نیز، اغلب با مردان معتادی رو به رو بوده‌اند که از آنها چنین انتظاری داشته‌اند. مردانی که نه نیاز به مهر این زنان را پاسخ گفتند و نه عطش بدنهای بیدارشان را فروشانند. تعداد قابل ملاحظه‌ای از این مردان همانند پدرانشان

دست آنها را در دست مرد دیگری گذاردند، زیرا که خود، «تاجر مهر» بودند. لایه لایه زندگی زنان روسپی، شگفت‌انگیز، دردناک و به غایت قابل تامل است اما در میان تمامی فصول این زندگی، به خانه‌بخت رفتنشان، چیز دیگری است.

نمونه‌گیری و روش تحقیق

در این تحقیق، با ۱۴۷ زن روسپی، مصاحبه بالینی شده است. این زنان که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، یا مقیم اقامتگاه‌های سازمان بهزیستی بوده‌اند و یا در خیابان مشغول به کار.

مهمترین توصیه در انجام دادن تحقیق با زنان روسپی، به کارگیری راهکارهای لازم، برای جلب اعتماد آنهاست. در این راستا، صداقت و احترام، عناصر اصلی در برقراری ارتباط است. باید توجه داشت که این زنان به دلیل تعامل اجتماعی وسیعی که دارند، مردم شناسان چیره‌ای هستند و بنابراین صداقت و احترام واقعی را به راحتی درک می‌کنند و آن را به مراتب بیش از مردم عادی ارج می‌نهند؛ زیرا که این گونه زنان، همواره شاهد نگاه‌های ملامت بار، سرزنش‌کننده و گاه کینه توزانه مردم، به ویژه هم جنسان خود، هستند. بنابراین وقتی کسی بیرون از گروه خودشان به آنها احترام می‌گذارد و به آنها می‌فهماند که دارای خمیره ارزشمندی هستند، «رفیق» می‌شوند، «قلندر» می‌شوند و آنچه را دارند، در طبق اخلاص می‌گذارند. نتیجه آنکه گرچه ابزار به کار گرفته شده در این تحقیق، بسیار گسترده است، اما آنان با آنچنان صبوری و صداقتی به سوالات پاسخ گفته‌اند که هماهنگی و همبستگی آماری چشمگیری بین پاسخ‌های آنها مشاهده می‌شود.

این تحقیق که با عنوان «عوامل زمینه‌ای تن دادن زنان به روسپیگری» ارائه شده است، به ابعاد مختلف زندگی زنان روسپی، از جمله پیشینه زندگی خانوادگی، شرایط تاهل، چگونگی ورود به دنیای روسپیگری و علل عدم بازگشت آنها به زندگی عادی پرداخته است. در این نوشتار، تاکید بر چگونگی ازدواج و شرایط تاهل این زنان است.

در اینجا ذکر این مهم، ضروری است که برای ملموس‌تر و مشخص‌تر شدن ویژگی‌های

زندگی این زنان، تا قبل از ورود به دنیای روسپیگری، لازم بوده است که شرایط زندگی آنها با شرایط زندگی زنان غیر روسپی که آنان نیز به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، مقایسه شود. نتایج، این امکان را فراهم می‌آورد تا بتوان دقیق‌تر و موثکافانه‌تر بر عواملی که این دسته از زنان را به چنین سرانجامی سوق داده است، تأمل کرد.

اضافه می‌شود که از مجموع ۱۴۷ زن روسپی مورد بررسی، ۱۳۳ نفر لااقل یک بار ازدواج کرده‌اند و از مجموع ۱۴۷ زن عادی که به صورت تصادفی با این گروه هم‌تاسازی شده‌اند، ۱۰۲ نفر تشکیل زندگی خانوادگی داده‌اند.

نتایج

یافته‌های مربوط به مقایسه سن ازدواج در دو گروه زنان روسپی و زنان عادی مورد بررسی، تأمل و تعمق قابل ملاحظه‌ای را طلب می‌کند. جدول شماره ۱، نتایج این مقایسه را در مورد سن ازدواج این گروه نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی زنان روسپی و زنان عادی مورد بررسی،

بر حسب سن ازدواج

میزان Z و سطح معناداری	زنان عادی		زنان روسپی		نوع گروه فراوانی سن ازدواج
	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	
***۵/۶۷	۹/۸	۱۰	۴۳/۷	۵۸	۱۳ سال و پایین‌تر
***۲/۶۷	۲۷/۵	۲۸	۴۴/۳	۵۸	۱۴-۱۷ سال
***۶/۲۶	۴۱/۲	۴۲	۷/۵	۱۰	۱۸-۲۰ سال
***۴/۰۴	۲۱/۵	۲۲	۴/۵	۶	۲۱ سال و بالاتر
	۱۰۰	۱۰۲	۱۰۰	۱۳۳	جمع

*** P < 0/0001

** P < 0/001

۴۳/۷ درصد از زنان روسپی قبل از ۱۳ سالگی ازدواج کرده‌اند، در حالی که حدوداً ۱۰ درصد از دختران عادی دارای چنین موقعیتی هستند. بعد از ۱۸ سالگی، شرایط درست معکوس است؛ بدین معنا که تنها ۱۲ درصد از دخترانی که بعدها گرفتار تن فروشی شده‌اند، بعد از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند. این در حالی است که ۶۲/۷ درصد از دختران عادی، از این شرایط برخوردارند. در این میان، نکته حائز اهمیت آن است که در دنیای امروزی که نهادها و سازمانها، روابط انسانی و خلاصه همه پدیده‌های مطرح در زندگی انسانها پیچیده است و ورود به دنیای بزرگسالی، مستلزم کسب مهارت‌های بسیار، وقتی ۴۳/۷ درصد از این دختران، قبل از ۱۳ سالگی ازدواج کرده‌اند و در کل، ۸۸ درصد قبل از ۱۷ سالگی؛ یعنی جمع کثیری از آنها، از ابتدایی‌ترین آموزش‌ها برای ورود به این دنیای پیچیده بی بهره مانده‌اند. در چنین شرایطی، جای تعجب نیست که یافته‌های دیگر تحقیق نشان دهد که میزان سواد ۷۸/۲۳ درصد از زنان مورد بررسی، در سطح راهنمایی و پایین‌تر است. به عبارت دیگر، زنان تن فروش، اکثراً از ابتدایی‌ترین وسیله برای کسب درآمد مشروع، یعنی سواد لازم بی بهره‌اند. جدول شماره ۲، چگونگی ازدواج این دو گروه از زنان را با هم مقایسه می‌کند.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی زنان روسپی و زنان عادی مورد بررسی،

بر حسب نحوه ازدواج

میزان Z و سطح معناداری	زنان عادی		زنان روسپی		نوع گروه فراوانی سن ازدواج
	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	
***۵/۷۴	۹/۸۲/۹	۴	۲۵/۴	۴۷	بدون رضایت خودم
**۲/۹۲	۵۹/۸	۶۱	۵۰/۶	۵۴	خواستگاری و با رضایت خودم
***۰/۷۱	۱۱/۸	۱۲	۱۵	۲۰	انتخاب خودم و بدون رضایت خانواده
***۲/۲۷	۲۴/۵	۲۵	۹	۱۲	انتخاب خودم و رضایت خانواده
	۱۰۰	۱۰۲	۱۰۰	۱۳۳	جمع

*** P < 0/0001

** P < 0/001

ازدواج ۳۵/۴ درصد از زنان تن فروش، احتمیلی بوده است. این در حالی است که ۳/۹ درصد از دختران عادی دارای چنین شرایطی هستند. یافته‌های بعدی تحقیق نشان می‌دهد که اگر چه ۴۰/۶ درصد از زنان روسپی مورد بررسی، با رضایت خود ازدواج کرده‌اند، اما از آنجا که زندگی خانوادگی اغلب آنها قبل از ازدواج با معضلات فراوانی رو به رو بوده است، چه بسا برای بسیاری از آنها، ازدواج نوعی «فرار» از خانه بوده است. نگاهی به ویژگیهای مردانی که با این دسته از زنان ازدواج کرده‌اند، این باور را به میزان قابل توجهی تقویت می‌کند.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی زنان روسپی و زنان عادی مورد بررسی،

برحسب تعداد ازدواج‌های قبلی همسر

میزان Z و سطح معناداری	زنان عادی		زنان روسپی		نوع گروه فراوانی سن ازدواج
	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	
***۴/۶۲	۴	۴	۲۵/۶	۳۴	یک بار
	—	—	۸/۳	۱۱	دو بار یا بیشتر
***۶/۰۵	۹۶	۹۸	۶۶/۱	۸۸	قبلاً ازدواج نکرده است
	۱۰۰	۱۰۲	۱۰۰	۱۳۳	جمع

*** P < 0/0001

** P < 0/001

در حالی که برای هر دو گروه از زنان، این ازدواج اول بوده است، ۲۵/۶ درصد از شوهران زنان روسپی لااقل یک بار ازدواج کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که فقط ۴ درصد از زنان عادی دارای چنین شرایطی بوده‌اند. ۸/۳ درصد از شوهران زنان روسپی قبلاً بیش از یک بار ازدواج کرده‌اند و این، تجربه ناشناخته‌ای برای گروه دوم زنان بوده است. به طور کلی ۳۳/۹ درصد از زنان روسپی (حدوداً یک سوم آنها) در ازدواج اول خود، با مردانی پیوند زناشویی بسته‌اند که قبلاً

ازدواج کرده‌اند.

جدول شماره ۴، تفاوت سنی هر دو گروه از زنان را با همسرانشان نشان می‌دهد:

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی زنان روسپی و زنان عادی مورد بررسی،

برحسب تفاوت سن با همسر

میزان Z و سطح معناداری	زنان عادی		زنان روسپی		نوع گروه فراوانی سن ازدواج
	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	
**۲/۸۱	۳	۳	۱۳/۶	۱۸	۱۵ سال و بیشتر
***۴/۱۴	۱۱/۷	۱۲	۳۵/۳	۲۷	۱۰-۱۴ سال
***۳/۲۱	۵۲	۵۳	۳۱/۵	۴۲	۵-۹ سال
*۲/۴۲	۳۳/۳	۳۴	۱۹/۶	۲۶	۴ سال و کمتر
	۱۰۰	۱۰۲	۱۰۰	۱۳۳	جمع

*** P < 0/0001

** P < 0/001

* P./< 05

۴۸/۹ درصد از زنان روسپی، یعنی حدوداً نیمی از آنها، به میزان ده سال و یا بیشتر جوانتر از همسران خود هستند. این رقم در نزد زنان عادی، ۱۲ درصد است. به طور کلی تفاوت سنی بین زنان عادی و همسرانشان به صورت چشمگیری، کمتر از تفاوت سنی بین زنان روسپی و همسران آنهاست که این، در دنیای امروز، از بسیاری از ابعاد می‌تواند مشکل آفرین باشد.

یافته‌های دیگر تحقیق نشانگر آن است که اگر چه میزان سواد همسران زنان روسپی به طور معناداری، کمتر از سواد همسران زنان عادی است، اما بین میزان سواد همسران زنان روسپی و همسران آنها هماهنگی قابل توجهی وجود دارد. سواد تقریباً دو سوم همسران زنان روسپی، همانند خودشان، در سطح راهنمایی و کمتر است. اگر چه ۳/۲ درصد از آنها دارای تحصیلات دانشگاهی اند.

علاوه بر این، از آنجا که شغل و چگونگی کسب در آمد، یکی از مهمترین ویژگی‌هایی است که در همسرگزینی مد نظر قرار می‌گیرد، جدول بعدی به بررسی مشاغل همسران زنان روسپی اختصاص داده شده است. اما از آنجا که طیف مشاغل همسران زنان روسپی برخلاف مشاغل زنان عادی بسیار محدود است، در اینجا تنها به ذکر مشاغل همسران زنان دسته اول اکتفا می‌شود.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی زنان روسپی مورد بررسی، بر حسب شغل اصلی همسر

شغل همسر فراوانی	کارگر راننده رسمی و مسافرکشی	کارمند	کشاورز	ارتشی	مغازه‌دار	بیکار	مشاغل غیرقانونی	جمع
فراوانی مطلق	۱۸	۱۴	۱۲	۹	۷	۲۱	۳۵	۱۳۳
فراوانی درصدی	۱۳/۵	۱۰/۵۲	۹	۶/۸	۵/۲	۱۵/۷۸	۲۶/۴	۱۰۰

درآمد نابسند و غیبت‌های طولانی، از جمله ویژگی‌های مشاغل همسران زنان روسپی مورد مطالعه است. علاوه بر آن، ۱۵/۷۸ درصد از شوهران این گروه از زنان بیکارند و ۲۶/۴ درصد، از راه‌های غیر قانونی، امرار معاش می‌کنند. به عبارت دیگر، ۴۲/۱۸ درصد از همسران زنان تن فروش، یا فاقد درآمدند و یا با دست زدن به فعالیت‌های غیر قانونی برای خود درآمدی دست و پا می‌کنند.

اما در این میان، هشدار دهنده‌ترین یافته این است که ۱۰/۵۲ درصد از شوهران زنان تن فروش، کارمند دولت هستند. یعنی افرادی که با کاغذ و قلم و ابزار فرهنگ سروکار دارند و می‌بایست علی‌القائده از حداقل درآمد برای امرار معاش برخوردار باشند. این در حالی است که این روزها، به دلیل مشکلات اقتصادی کمرشکن، بسیاری از کارمندان، مسافرکشی و یا مشاغل مشابه را به عنوان شغل دوم بر می‌گزینند. این عملکرد، گرچه برخی از مسایل مالی این گروه را حل می‌کند، اما پیامدهای غیر سازنده‌ای نظیر غیبت‌های طولانی، خستگی مفرط، و از همه مهم‌تر تغییر ساختار شخصیتی فرد را به دنبال دارد. پیداست که چنین رویدادی تا چه حد بر

عملکرد فرد در نهاد خانواده تأثیر گذار است. یافته‌های این جدول به تنهایی می‌تواند گویای بسیاری از رویدادهای آسیب‌زا در نهاد این خانواده‌ها و خانواده‌های مشابه باشد. و اما، چه گروه از دختران دست خود را در دست مردانی با چنین ویژگی‌هایی می‌گذارند و با آنها در می‌آمیزند؟ در این عهد و زمانه، این کدامین دختر است که ازدواج تحمیلی را می‌پذیرد و یا به ازدواجی چنین نامطلوب تن می‌دهد؟ جدول بعدی، با ترسیم شرایط زندگی خانوادگی این دختران، به وضوح به این پرسشها پاسخ می‌دهد:

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی زنان روسپی و زنان عادی مورد بررسی،

برحسب نسبت سرپرست با آنها در دوران کودکی و آغاز نوجوانی

میزان Z و سطح معناداری	زنان عادی		زنان روسپی		نوع گروه فراوانی نسبت سرپرست
	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	
***۸/۳	۹۲/۵	۱۳۶	۶۲/۶	۹۲	پدر و مادر با هم
***۷/۸	۵/۴	۸	۱۹/۷	۲۹	پدر یا مادر
***۴/۰۲	۲/۱	۳	۱۵/۷	۲۳	یکی از بستگان
***۴/۰۴	—	—	۲	۳	مسئولان پرورشگاه
	۱۰۰	۱۴۲	۱۰۰	۱۴۲	جمع

فقط ۷/۴۴ درصد از زنان عادی، در دوران کودکی و نوجوانی، از نعمت سرپرستی توأم پدر و مادر محروم مانده‌اند. در حالی که ۳۷/۵ درصد از زنان تن فروش، یعنی حدوداً یک سوم آنها، این دوران را بدون حضور مشترک پدر و مادر سپری کرده‌اند. یافته‌های دیگر این تحقیق نشان می‌دهد که از مجموع ۳۷/۵ درصد از زنان روسپی، که در دوران کودکی و نوجوانی از سرپرستی توأم پدر و مادر محروم مانده‌اند، ۱۸/۳۶ درصد به علت طلاق والدین، ۱۲/۲ درصد به دلیل مرگ و میر یکی از والدین (به ویژه پدر)، در چنین شرایطی

قرار گرفته‌اند. طلاق و مرگ و میر در میان والدین زنان عادی، به ترتیب ۲ و ۴ درصد بوده است. تذکر این نکته لازم است که یکی از بزرگترین اشتباهات محققان به ویژه در سال‌های اخیر، تمرکز و توجه بر طلاق و جدایی به عنوان «عامل» انحرافات است. در حالی که، برگ برگ این تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از اوقات، طلاق، خود معلول کاستیها و تنگناهای موجود در سایر نهاد‌های یک جامعه است. برای مثال یافته‌های این تحقیق نشانگر آن است که اعتیاد و بیکاری گریبانگیر بسیاری از پدران زنان روسپی بوده است. پیداست که چنین شرایطی فضای بین زن و شوهر و اعضای خانواده را هر روز بیش از روز پیش تخریب می‌کند و نه تنها ریشه تمامی آرمانها و آرزوها را می‌خشکاند، بلکه اعضای خانواده را هم از ابتدایی‌ترین حقوق خود، محروم می‌کند.

بدون شک، وجود مرگ و میر زودرس در میان پدران این گونه زنان تنها می‌تواند معلول سوء تغذیه، عدم رعایت بهداشت، اعتیاد و فقر و بیکاری باشد. یافته‌های موجود در جدول شماره ۷، پشتوانه‌ای است بر این مدعا:

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی زنان روسپی مورد بررسی، برحسب جرایم والدین آنها

مادر		پدر		نوع گروه
فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	فراوانی / نوع جرم
۶/۹	۱۰	۲۸	۴۱	اعتیاد و پخش مواد مخدر
۳/۴	۵	۴	۶	واسطه‌گری فحشا
۳/۴	۵	۶/۸	۱۰	سایر جرایم
۸۶/۳	۱۲۷	۶۱/۲	۹۰	هیچ کدام
۱۰۰	۱۴۷	۱۰۰	۱۴۷	جمع

برای نزدیک به ۴۰ درصد از پدران زنان روسپی و ۱۳/۷ درصد از مادران آنها، در آمیختن

با جرایم و انحرافات، روال زندگی بوده است. ۲۸ درصد از پدران و ۶/۹ درصد از مادران با مواد مخدر سروکار داشته‌اند. بنابراین یافته‌های این جدول نشان می‌دهد که بسیاری از والدین، خود آشکارا، «قیح شکنی» را به فرزندان خود آموخته‌اند. تراژدی قیح شکنی برای برخی از این دختران آهنگ غم‌انگیزتری سرداده است. جدول شماره ۸، فراوانی سوء استفاده جنسی از این دختران را، در درون نهاد خانواده نشان می‌دهد:

جدول شماره ۸: توزیع فراوانی زنان روسپی مورد مطالعه، برحسب عوامل سوء استفاده

جنسی از آنها در دوران کودکی

نسبت فراوانی	پدر، برادر، دایی	همسایه، دوستان، خانواده	مورد سوء استفاده جنسی قرار نگرفته‌ام	جمع
فراوانی مطلق	۱۶	۱۷	۱۱۴	۱۴۷
فراوانی درصدی	۱۱	۱۱/۵	۷۷/۵	۱۰۰

۲۲/۵ درصد از زنان روسپی، در دوران کودکی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند. مهمتر اینکه برای بسیاری، این عمل به وسیله پدر، برادر، و دایی؛ یعنی محارم این افراد انجام شده است. به عبارت دیگر، برای این گروه از دختران قیح برقراری رابطه جنسی غیر متعارف، مدت‌هاست که شکسته شده است.

تحریک زودرس و احساس نیاز به مهر و محبت، در تمامی ابعاد و فصول زندگی این زنان، دست در دست هم، حضور ملموس و به غایت عیانی داشته‌اند. جدول شماره ۹، احساس کمبود مهر و محبت را در این زنان، به هنگام زندگی با خانواده ترسیم می‌کند. با نگاهی به یافته‌های جدول شماره ۹، اهمیت مقایسه پیشینه زنان روسپی و زنان عادی بیش از هر زمان دیگری جلوه‌گر می‌شود. در اینجا مشاهده می‌شود که ۴۳/۵ درصد از زنان روسپی با تمام وجودشان محبت را له‌له زده‌اند. در حالی که این رقم در میان زنان عادی، ۲/۷ درصد است. به طور کلی ۷۴/۱ درصد از زنان روسپی و ۲۱/۱ درصد از زنان عادی کمبود محبت را گزارش کرده‌اند.

جدول شماره ۹: توزیع فراوانی زنان روسپی و زنان عادی مورد بررسی،

برحسب میزان احساس کمبود مهر و محبت در خانواده

میزان Z و سطح معناداری	زنان عادی		زنان روسپی		نوع گروه فراوانی
	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	
** ** ۸/۲۹	۲/۷	۴	۴۳/۵	۶۴	میزان احساس کمبود محبت زیاد
* ۲/۴	۱۸/۴	۲۷	۳۰/۶	۴۵	تا حدودی
** * ۹/۰۶	۷۸/۹	۱۱۶	۲۵/۹	۳۸	اصلاً
	۱۰۰	۱۴۷	۱۰۰	۱۴۷	جمع

* P < 0/05 ***

P < 0/0001

و بدینسان، این دختران بزرگتر شدند و اولین لحظه‌ای که توانستند، خانواده را ترک گفتند. جدول شماره ۱۰، علت جدا شدن آنها را از خانواده اولیه نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۰: توزیع فراوانی زنان روسپی و زنان عادی مورد بررسی،

برحسب علت جدا شدن آنها از خانواده اولیه

میزان Z و سطح معناداری	زنان عادی		زنان روسپی		نوع گروه فراوانی
	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	
۰/۳۶	۶۷/۳	۹۹	۶۹/۵	۱۰۱	علت جدایی از خانواده اولیه ازدواج
** * ۶/۴	۰/۷	۱	۲۶/۵	۳۹	فرار
-	۲	۳	۴	۶	سایر علل
-	۳۰	۴۴	-	-	هنوز با خانواده زندگی می‌کنم
	۱۰۰	۱۴۷	۱۰۰	۱۴۷	جمع

*** P < 0/0001

جدول شماره ۱۰، جدول گویایی است؛ زیرا اگر چه این دو گروه از زنان به لحاظ سنی هم‌تاسازی شده‌اند، اما ۳۰ درصد از زنان عادی، هنوز با خانواده اولیه خود زندگی می‌کنند. در حالی که حتی یک نفر از زنان روسپی در چنین موقعیتی قرار ندارد. ۲۶/۵ درصد از زنان روسپی عملاً از خانواده خود فرار کرده‌اند و ۶۹/۵ درصد به بهانه ازدواج، بیرون آمده‌اند. اما همان طور که در جدول شماره ۲ دیده شد، ازدواج ۳۵/۴ درصد از این زنان، تحمیلی بوده است و احتمالاً بسیاری دیگر نیز، ازدواج را بهانه فرار از خانه کرده‌اند. اما در آنجا هم یعنی در ازدواج و در فرآیند انتخاب شدن به وسیله یک مرد، شیخ پدرانشان تنها ایشان نگذاشته است. زیرا در یک جامعه سنتی، با آن همه تأکید بر ویژگی‌ها و امتیازات خانوادگی به هنگام ازدواج چه کسی چنین دختری را طلب می‌کند و چه کسی دل به او می‌سپارد؟ چه کسی جز الگویی از پدرانشان! جدول شماره ۱۱، جرایم شوهران این گروه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۱: توزیع فراوانی زنان روسپی مورد بررسی، برحسب جرایم شوهرانشان

جرایم شوهر	اعتیاد و یا قاچاق	واسطه‌گری	ترکیبی از جرایم	هیچ یک	جمع
فراوانی	مواد مخدر	فحشا			
فراوانی مطلق	۷۲	۱۵	۲۱	۲۶	۱۳۳
فراوانی درصدی	۵۴/۱	۱۱/۲۷	۱۵/۷۸	۱۹/۵۴	۱۰۰

۵۴/۱ درصد از همسران این گروه، با مواد مخدر سروکار دارند. ۱۱/۲۷ درصد، اصلاً کارشان این است که دست مردان را در دست زنان بگذارند و به احتمال قوی اصلاً به همین دلیل، این دختر را به همسری برگزیده‌اند. ۱۵/۷۸ درصد از شوهران، به واقع همه کاره‌اند. که این به طور کلی، طبیعت جرایم است که در هم می‌تنند و فربه‌تر و فربه‌تر می‌شوند.

واضح است که وقتی چنین پدیده‌هایی در زندگی زناشویی، حضوری این همه ملموس و عیان دارند، تعامل بین زن و مرد، چهره کوبنده و تخریب‌کننده‌ای به خود می‌گیرد. جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد که این زنان تا چه حد در زندگی زناشویی خود مورد ضرب و شتم و



پرخاشگری جسمانی قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۱۲: توزیع فراوانی زنان روسپی مورد بررسی، برحسب تجربه

ضرب و شتم و پرخاشگری جسمانی در زندگی زناشویی

میزان ضرب و شتم	اصلاً	تا حدودی	زیاد	جمع
فراوانی				
فراوانی مطلق	۳۷	۶۲	۳۴	۱۳۳
فراوانی درصدی	۲۷/۹	۴۶/۵	۲۵/۶	۱۰۰

۷۲/۱ درصد از این زنان، در زندگی زناشویی خود، قربانی ضرب و شتم و پرخاشگریهای جسمانی هستند و اینها همان زنانی بودند که با کوله باری از نیاز به مهر و محبت به خانه بخت آمدند. اما پیداست که در این فضا مهر و محبت متاع کمیابی است.

یافته‌های دیگر تحقیق نشان می‌دهد که ۷۵/۲ درصد از زنان روسپی در زندگی زناشویی احساس کمبود مهر و محبت کرده‌اند و جمع قابل ملاحظه‌ای، از برآورده نشدن نیاز جنسی خود سخن گفته‌اند. جدول شماره ۱۳، میزان برآورده شدن نیاز جنسی آنها را در زندگی زناشویی ترسیم می‌کند:

جدول شماره ۱۳: توزیع فراوانی زنان روسپی مورد بررسی،

برحسب میزان رضامندی از رابطه جنسی: در زندگی زناشویی

میزان رضایت	اصلاً	تا حدودی	زیاد	جمع
فراوانی				
فراوانی مطلق	۷۲	۴۱	۲۰	۱۳۳
فراوانی درصدی	۵۴/۲	۳۰/۸	۱۵	۱۰۰

۵۴/۲ درصد از زنان روسپی، یعنی بیش از نیمی از آنها اصلاً از رابطه جنسی خود با

همسرشان رضایت ندارند و ۳۰/۸ درصد تنها تا حدودی از این رابطه احساس رضایت می‌کنند. اما با توجه به فضای این زندگی زناشویی، مگر می‌شود که نتایج در این زمینه، غیر از این باشد.

جدول شماره ۱۴: توزیع فراوانی زنان روسپی مورد بررسی،

برحسب میزان پایداری زندگی زناشویی

میزان پایداری فراوانی	زیر ۲ سال	بین ۲ تا ۵ سال	بیشتر از ۵ سال	هنوز ادامه دارد	جمع
فراوانی مطلق	۶۶	۳۵	۲۰	۱۲	۱۳۳
فراوانی درصدی	۴۹/۶	۲۶/۴	۱۵	۹	۱۰۰

فقط ۹ درصد از این زنان، به زندگی زناشویی خود ادامه می‌دهند. در حالی که ۵۰ درصد، در همان دو سال اول با این زندگی وداع کرده‌اند. و بدین سان، یکی از دردناک‌ترین فصول زندگی این زنان تمام می‌شود. اما داستان به همین جا خاتمه پیدا نمی‌کند؛ زیرا که جمعی از همسران، قبل از آنکه مهر ابطال بر این زناشویی بزنند، خود، دست این زنان را در دست مردان دیگر گذارده‌اند. بسیاری از این گروه از همسران، از ابتدا نیز هدفی جز این نداشته‌اند.

جدول شماره ۱۵، نشان می‌دهد که این زنان راه و رسم تن فروشی را نزد چه کسی آموخته و از چه طریقی به این وادی کشانده شده‌اند.

جدول شماره ۱۵: توزیع فراوانی زنان روسپی مورد بررسی،

برحسب معرف آنها به روسپیگری

معرف فراوانی	پدر یا مادر	همسر	همسایه و دوست	مستقیماً خود فرد	جمع
فراوانی مطلق	۱۴	۱۸	۸۶	۲۹	۱۴۷
فراوانی درصدی	۹/۶	۱۲/۲	۵۸/۵	۱۹/۷	۱۰۰

اگرچه ۵/۵۸ درصد از این زنان به وسیله دوستانشان با وادی تن فروشی آشنا شده‌اند، اما چنین رویدادی به دور از انتظار نیست؛ زیرا برای ۶۲ درصد از آنها سن آغاز روسپیگری، ۱۳ تا ۲۰ سالگی، یعنی دوران نوجوانی و جوانی بوده است. دورانی که افراد، بیش از هر دوران دیگری از دوست تاثیر می‌پذیرند. اما ورود ۸/۲۱ درصد از زنان مورد بررسی، از طریق نزدیکترین افراد خانواده؛ یعنی پدر و مادر و همسر به دنیای روسپیگری، برای جامعه‌ای با این همه ادعا در مورد حراست از ارزشها و دفاع از «ناموس» تکان دهنده است و به غایت غیر قابل اغماض. این رویداد، مثال دیگری است از تناقض بین ادعاها و واقعیتها. اما شرح مصیبت هنوز پایان نپذیرفته است؛ زیرا این زنان، علاوه بر فروش تن، به دنیای اعتیاد نیز پاگذارده‌اند. جدول شماره ۱۶ میزان اعتیاد آنها را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۶ توزیع فراوانی زنان روسپی مورد بررسی، برحسب زمان آغاز به اعتیاد

جمع	هرگز	بعد از روسپیگری	قبل از روسپیگری	زمان آغاز اعتیاد فراوانی
۱۴۷	۴۸	۶۴	۳۵	فراوانی مطلق
۱۰۰	۳۲/۶	۴۳/۵	۲۳/۸	فراوانی درصدی

تنها ۳۲ درصد از زنان روسپی مورد مطالعه، یعنی حدود یک سوم آنها، جز سیگار ماده مخدر دیگری استفاده نمی‌کنند. در حالی که دو سوم بقیه، یا قبل از روسپیگری به اعتیاد روی آورده‌اند، یا بعد از آن. این یافته با نتایج سایر پژوهشهای مربوط به روسپیگری، در سراسر دنیا، هماهنگ است.

بحث و نتیجه گیری

در این کرانه از مشرق زمین، همه پدیده‌ها، جمع اضدادند. در اینجا، از یک طرف به بهانه پاسداری و دفاع از «ناموس»، دختران را به مسلخ می‌کشانند، پنجه در حلقوم آنها می‌اندازند و

جانشان را به فجیع ترین وضع از کالبدشان بیرون می‌کشند و در جای دیگر، برخی با ظاهری به غایت موجه، قدم به خلوت دخترانشان می‌گذارند و بدنهای نورسشان را ظالمانه «بیدار» می‌کنند.

در این سرزمین، که آوازه قتل‌های ناموسی اش همه مرزها را درنوردیده است، در نهاد خانواده که قرار است «مقدس» باشد و «متبرک»، ۲۲/۵ درصد از زنان مورد مطالعه، در کودکی مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند. مهمتر اینکه بسیاری از اوقات این آزار جنسی به وسیله محارم و در سنین پنج سالگی صورت گرفته است. سنینی که بنا بر گفته فروید، که زیبایی و عمق مکتبش نه زمان می‌شناسد و نه مکان، یکی از تحریک پذیرترین سنین است. در این مقطع، علاوه بر تحریک پذیرتر و ملموس تر شدن انگیزه‌های جنسی، ارزشها نیز شروع به شکل‌گیری می‌کنند. ارزشهایی که در سنین بعد تبلور بیشتری می‌یابد و عملاً به کار گرفته می‌شود.

پیامد آزار جنسی در این زمان، معمولاً یا کناره‌گیری از جنس مخالف است و یا عثان گسیختگی. ضمن آنکه چنین تجربه‌ای، عملاً رابطه جنسی غیر متعارف را به عنوان یک ارزش به قربانیان می‌آموزد و «قبیح» آن را فرو می‌ریزد.

این یافته، با نتایج تحقیقات بسیاری از محققان، از جمله «مککاگی» (Mccaghy; Hov, 1994) و «نادن» (Naden. Schludermann, 1998) هماهنگ است؛ زیرا آنان نیز گزارش کرده‌اند که بسیاری از زنان روسپی در کودکی و در نهاد خانواده مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند.

اعتیاد، بیکاری، امرار معاش از طریق فعالیت‌های غیر قانونی، مسایل دیگری است که فضای زندگی خانوادگی بسیاری از این زنان را متاثر کرده است. بنابراین، «قبیح شکنی»، در ابعاد مختلف و در تعیین کننده‌ترین سنین، عملاً به این دختران آموزش داده شده است. میکائیل (Mikhail, 2002) و ویدام (Widom; kuhns, 1996) نیز به همین نتایج دست یافته‌اند.

علاوه بر این، در تمامی فصول زندگی این زنان، نیاز به مهر و محبت موج می‌زند و این، یکی از کلان‌ترین یافته‌های این پژوهش است. بسیاری از این دختران، به ویژه مادران خود را منبع عاشقانه‌ای برای گرم کردن تاروپودشان نمی‌دانند و همین امر موجب شده است که آنها در

مقطع سوم از رشد جنسی از نگاه فروید، تثبیت شوند و یا مردان، آن هم در یک چهار چوب «غیر متعارف»، بیشتر و بهتر درآمیزند.

این دختران، به همین منوال و با این همه پریشانی، بزرگتر و بزرگتر شده‌اند و در نهایت یک چهارمشان، در حالی که نیاز به محبت را فریاد می‌زده‌اند، از خانه فرار کرده و برای سیراب کردن خود به دیگران پناه برده‌اند.

۳۵/۴ درصد از آنان نیز، به ازدواج تحمیلی تن داده‌اند. به عبارت دیگر بیش از یک سوم از این دختران، «خرج» نیازهای خانواده و به احتمال قوی اعتیاد کهنه پدرانشان شده‌اند. اینان، در سنین بسیار کم، به نام ازدواج دست خود را در دست مردانی گذارده‌اند که از شرایط مالی بهتری نسبت به خودشان بهره‌مند بوده‌اند و می‌توانست‌اند خلاء مالی خانواده را، تا حدودی، جبران کنند. این تجربه که چیزی جز یک روسپیگری قانونمند نمی‌تواند باشد، قرن‌هاست که در بسیاری از سرزمین‌ها، حضوری به غایت عیان دارد.

گلدن (Golden, 1957)، در کتاب خواندنی خود، به نام خاطرات یک گیشا، از مزایده گذاشتن اولین هم‌آغوشی دختران کشور آفتاب تابان، به درخواست پدران و از طریق واسطه‌ها، پرده برداشته است. باید به خاطر داشت که هیچ‌یک از حرمسراهای پادشاهان و صاحب منصبان نیز، الزاماً با حضور شاهزادگان و شاه دخت‌ها، پر نشده است. بلکه برعکس، این قصرهای پر رونق نیز، اغلب مملو از زنانی است که در سنین بچگی، اولین هم‌آغوشی شان، گاه به زور و زور و گاه در ازای پیشیزی، به صاحبان قدرت و یا به کسی بالاتر از خودشان، تفویض شده‌اند.

این رویداد کهنه که به ویژه در مشرق زمین حضوری ملموس داشته است، در حال حاضر نیز، از طریق تجارت دختر بچگان و پسر بچگان، حضوری به مراتب مخوف‌تر و پیچیده‌تر یافته است.

تاسکر (Tasker, 1994)، از تجارت بچه‌های مشرق زمین گزارش داده است. در حالی که نباید فراموش کرد که امروزه، تنوع‌طلبی مغربیان، تجارت جنسی مشرقیان، به ویژه مشرقیان خردسال، را به بازاری پر رونق تبدیل کرده است. گرچه به شهادت تاریخ، «حق شب اول»، همواره برای صاحب منصبان مغربی محفوظ داشته می‌شده است.

اگر چه، تعداد قابل ملاحظه‌ای از زنان روسپی، در سنین بسیار کم به ازدواج تحمیلی تن داده‌اند، اما ۴۰/۶ درصدشان نیز، با رضایت خود ازدواج کرده‌اند. در حالی که شواهد نشان می‌دهد برای بسیاری از آنها این ازدواج یک نوع فرار از خانه بوده است؛ زیرا ۴۳/۷ درصد از این دختران، زمانی ازدواج کرده‌اند که حتی ۱۳ ساله نبوده‌اند و بیش از هشتاد درصدشان، قبل از ۱۷ سالگی، به «خانه بخت» رفته‌اند. این در حالی است که این پیوند با مردانی بسته شده است که ۲۵/۶ درصدشان، لااقل یک بار قبلاً ازدواج کرده‌اند و ۸/۳ درصدشان، بیش از یک بار.

۴۸/۹ درصد از زنان روسپی، یعنی حدوداً نیمی از آنان، ده سال (و یا بیشتر)، جوانتر از همسران خود بوده‌اند. همسرانی که ۱۵/۷۸ درصدشان بیکار و تعداد قابل توجهی از آنان مسافرکش بوده‌اند. ۲۶/۴ درصد از همسران زنان روسپی، از طریق فعالیت‌های غیر قانونی، برای خود درآمد دست و پا می‌کرده‌اند.

۵۴/۱ درصد از شوهران یا معتاد بوده‌اند و یا در پخش مواد مخدر، دست داشته‌اند و ۱۱/۲۷ درصدشان در «تجارت مهر»، حضوری فعال داشته‌اند. بگذریم از آنکه ۱۵/۷۸ درصد از آنها همه‌کاره بوده‌اند.

به عبارت دیگر، اغلب این زنان، با الگوی پر رنگتر و فربه‌تر از پدرانشان ازدواج کرده‌اند. اساساً در یک جامعه سنتی که به هنگام ازدواج بر ویژگی‌ها و پیشینه خانوادگی تاکید می‌شود تا امتیازات خود فرد، غیر از این نمی‌تواند باشد. در اینجا پیشانی این گروه از دختران، با پیشینه خانوادگی آنها «نقره داغ» می‌شود و از این رو، برای آنها مفری برای رهایی و نفس کشیدن باقی نمی‌ماند. در این سرزمین، همانند بسیاری از سرزمین‌های شرقی، سرمایه‌ها با هم ازدواج می‌کنند، تنگدستی و نکبت و فلاکت هم، دست خود را در دست هم می‌گذارند.

بدیهی است که وقتی بیکاری، اعتیاد، قاچاق مواد مخدر و سایر جرایم در زندگی حضوری ملموس داشته باشد، تعامل بین زن و مرد نمی‌تواند توأم با ظرافت و مهربانی از آب در آید. نتایج این تحقیق، نشان می‌دهد که اگر چه این دختران با دریایی از نیاز به مهر و محبت به خانه بخت آمده‌اند، اما در آنجا هم قربانی ضرب و شتم و پرخاشگری‌های جسمانی همسرانشان شده‌اند (۷۲/۱ درصد).

پر واضح است که در چنین شرایطی، عطش بدنهای بیدارشان هم سیراب نمی‌شود. از این رو ۵۴/۲ درصد از زنان تن فروش، یعنی بیش از نیمی از آنها، اصلاً از رابطه جنسی خود با همسرانشان رضایت نداشته‌اند و ۳۰/۸ درصدشان نیز، تنها تا حدودی از درآمیختن با همسر خود احساس رضایت می‌کردند.

بدین ترتیب، این ازدواج نمی‌تواند پایدار بماند و سحر و جادوی خانه بخت نیز هیچ یک از گره‌های کور این زندگی را باز نمی‌کند. بنابراین، نه دهم از این زنان، با زندگی زناشویی خود وداع می‌کنند. اما داستان به همین جا خاتمه پیدا نمی‌کند؛ زیرا سایر یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه ۳۲ درصد از روسپیان مورد مطالعه، با اعتیاد سروکاری نداشته‌اند، اما دو سوم بقیه، یا قبل از روسپیگری ماده مخدر را تجربه کرده‌اند یا بعد از آن. بسیاری از تحقیقات، از جمله کرسیک (Cosick, 1998) و ویش (Wish, Graham, 1994) که همین نتایج را داشته است.

علاوه بر این، سایر نتایج تحقیق گزارش می‌کنند که بیشتر روسپیان معتاد، در آغاز، به تشویق و یا اجبار خانواده به ویژه همسرانشان به قاچاق مواد مخدر روی آورده‌اند و آن‌گاه خود، به استفاده از ماده مخدر کشانده شده‌اند و مهمتر اینکه اغلب مردانی که زنان خود را به قاچاق مواد مخدر واداشته‌اند، دست آنها را در دست مردان دیگر گذارده‌اند. این یافته نشان می‌دهد که این ازدواج، از ابتدا با چنین هدفی پا گرفته است. بگذریم از آنکه برای بسیاری از کهنه معتادان، هم بالین شدن زانانشان با دیگر مردان، الزاماً یک تراژدی نیست.

و بدین سان، یکی از دردناکترین فصول زندگی این زنان، برای همیشه تمام می‌شود. زنانی که از این پس تمام امیدها و آرزوهایشان را «دود» می‌کنند و تمامی دردها و رنجهایشان را در چند لحظه هم آغوشی التیام می‌بخشند.

- ۱- السعداوی، نوال. چهرهٔ عربیان زن عرب، نشر اندیشه‌های نوین، ۱۳۵۹.
- ۲- گلدن، آرتور. خاطرات یک گیشا. ترجمهٔ مریم بیات - تهران؛ سخن، ۱۳۸۰.
- ۳- علیایی زند، شهین. سوء استفاده جنسی از کودکان در خانواده، اولین همایش اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷.
- 4- Beard, M; Henderson, J. (1997). With This Body, I Thee Worship: Sacred Prostitution In Antiquity, *Gender and History*, 9(3): 480-503.
- 5- Caplan, G. (1984). The Facts of Life About Teenage Prostitution, *Crime and Delinquency*, 30 (1): 64-74.
- 6- Cusick. L. (1998). Femal Prostitution in Glasgow: Drug Use and Occupational Sector. *Addiction - Rsearch*, 10(2): 115-130.
- 7- Graham. N; Wish, E. (1994). Drug Use Among Female Arrestees: Onset, Patterns, and Relationships to Prostitution, 24(2): 315-329.
- 8- Giregersen, E. (1983). *Sexual Practices*. New York: Walls. Company.
- 9- Mc Caghy. C; Hou, C. (1994). Family Affiliation and Prostitution in a Cultural Context: Career Onsets of Taiwanese Prostitutes, *Archives of Sexual Behavior*, 23(3): 251-265.
- 10- Mikhail, S.L. (2002). Child Marriage And Child Prostitution, *Gender And Development*, 10(1): 43-49.
- 11- Nadon, S. Koverola; C. Schludermann. E. (1998). Antecedents to Prostitution: Childhood Victimization, *Journal of Interpersonal violence*, 13(2): 206-221.

- 12- Tasker, R. (1994). Dirty Business, For Eastern Economic Review.
Jan. 13.
- 13- Widom, C; Kuhns, j. (1996). Chidhood Victimization and Subsequent
Risk for Promiscuity, Prostitution, And Teenage Pregnancy.
American Journal of Public Health, 86 (11): 1407-1612.